

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۷ دسمبر ۲۰۱۳

تف بر سر و صورت «پولاد» این جاکش حرفه‌ئی!

در بخش ۳۶ (فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صدد بد نامی رهبران جنبش مقاومت ملی افغانستان) از پیوند های ایدئولوژیک و گوشه هائی از روابط تنگاتنگ داکتر غفور ثنا «غف» مشهور به «پولاد» مسؤول بیت الخالی «پیام آزادی» و جاسوس «انجو» های سه گانه، انجنیر صادق ظفر معروف به «پولاد گر» مسؤول خندق «شورش» و جاسوس «انجو» های سه گانه و حسین جاسوس مشهور به «انجنیر ضیاء» جاسوس «انجو» های سه گانه و رهبر به اصطلاح «حزب کمونیست مائویست» دست پرورده «آی. اس. آی.» و فعلاً مسؤول «بازی سازی» حوزه غربی افغانستان با «حزب دمکراتیک خلق افغانستان»، مفصلاً مکث کردم و پرده برداشتم. حالا نیز به ارتباط بحث قبلی، از ارتباط این سه تا جاسوس پلید با جاسوس خادیس «کامران میر هزار» که در بی ناموسی، دسیسه بازی، دوسیه سازی و شاراتانی ید طولاً و بالا دارد و در مکتب «کی. جی. بی.» و کوره های (خاد)، «واواک» و «آی. اس. آی.» گداخته و پخته شده است، یک مکث گذرا کرده و در مورد ارتباطات حزبی و خادیسیتیک شان روشنی می اندازم تا نسل روسپیان افشاء گردند.

«کامران میر هزار» این فرد کثیف بعد از سقوط رژیم پوشالی دستنشانده روس ها به اروپا رفت و از طریق «کابلپرس» که در حقیقت «چنگیز پرس» می باشد در جهت تفرقه اندازی بین ملیت های برادر ساکن کشور به اختلافات لسانی و قومی دامن زدن را آغازید. یک مسأله ای که باعث تعجب واقع شده است که چرا مأمورین و مستنطقین (خاد) مربوط اقلیت های هزاره و تاجیک بالاخص پنجشیری بعد از مزدوری به روسها و «حزب دمکراتیک خلق» یکه راست در منجلا ب ملیت پرستی و سکتاریسم غرق شدند؟!

نخست این عامل «کوانتل پرو» و چغتای زاده بیمار روانی و سادیست هلاکو خوی، کوشش نمود که با حيله گری، موزیگری شیطنت آمیز و کنایه دار نقش انقلابی رهبر آزادگان و اسطوره رزم و حماسه تاریخ میهن و قهرمان جنگ تاریخی «میوند»، «ملالی میوند» را نفی و تحریف کند و زاده تخیلات و تراوش های مغزی و خیالی داکتر «عبدالحی حبیبی» پندارد؛ و «صادق ظفر» نیز با الهام از رفیق خادیسنش «کامران میر هزار» همین موضوع را در خندق «شورش» نشخوار نمود و بر مرقد جد غدار و چنگیز نژاد و چنگیز نشانش شاشید.

در ثانی، «کامران میر هزار» این جاسوس فاقد شفقت و رحم و داغ ننگ بر پیشانی هزاره های ملی، «مولانا جلال الدین محمد بلخی» را مربوط به دودمان هزاره نامید. سوم، «کامران میر هزار»، چنگیز خون آشام قرن «مزاری جلاد» مخترع «رقص مرده» و سینه بریدن را «بابا» خطاب کرد و به خاطر مردار شدن آن جلاد بی آرم و حیوان صفت صفحات سپید کاغذ را سیاه نمود و اشک تمساح ریخت. چهارم، «کامران میر هزار» بی پرده «چنگیز» را که مورد

لعنت و نفرت تاریخ و تمدن قرار گرفته است و تاریخ از مظالم و تمدن کشی و تمدن سوزی اش هنوز هم اشک می ریزد؛ پیشوا، ناصح، مری و مرشد «هزاره» ها خطاب کرد و خلاصه کسی که هستی و نیستی را هزاره می بیند و می پندارد و در تنگ نظری و تعصبات ملیتی، قومی و لسانی جوهره و رقیب ندارد؛ امروز هم همچو سگ «بول داگ» در کمال بی شرمی بالای «رفیق داد نورانی» اتهام می بندد و از این طریق عقده هایش را مرفوع می سازد؛ ننگ و نفرین بر این بی ناموس خادیست و سکتاریست ملیت پرست و عاری از ضمیر بیدار!

«حالا غفور ثنا» چتلی سگی را که «کامران میرهزار» جویده و به «صادق ظفر» به میراث مانده بود؛ در کمال اشتها به نشخوار کردن گرفته و تعفن ایجاد نموده است و چهره ضد انسانی اش را یک بار دیگر در معرض تماشا گذاشت؛ چشم علیا مخدره اش روشن باشد.

یک روزی دیده نشد که «کامران میرهزار» این جاسوس خادیست و سکتاریست پلید، از زنان و «مردان» هزارگی که به مثابه نمایندگان منافع شئونیستی ایران در پارلمان دولت پوشالی کابل، ۷۲ کرسی را اشغال نموده اند کوچکترین انتقادی کند و بگوید که بالای چشم آن جواسیس ابرو است.

از شئونیسم پشتون انتقاد می کنند و با شدید ترین لهجه تر و خشک را یکجا می سوزاند؛ پس چرا در مورد سکتاریسم و ناسیونالیسم عربان هزارگی چیزی نمی گوید؟

خود می دانند که رهبر «بزرگ» شان «سیما سمر» وزیر سابقه «وزارت زنان» و حالا رئیس «حقوق بشر»، در پهلوی روسپی سیاسی بودن به دلالت زنان معصوم و بی پناه نیز مبدل شده است و زنان و دختران مجبور را در بدل پول های کلان در آغوش جنگسالاران و مقامات بلند پایه حکومتی و دولتی می اندازد؟! پس چرا «کامران میرهزار» و همکلاشان خادیست، سکتاریست و ناسیونالیستش چشمان شان را نابینا ساخته اند و وجدان های شان در خواب رفته است و نمی بینند و نمی دیدند که در «وزارت زنان» چه می گذشت و حالا در دفتر «حقوق بشر» چه می گذرد؟!

مگر «کامران میرهزار» و هم کلاشان خادیست، سکتاریست و ناسیونالیستش از استعمار مذهبی دختران و زنان معصوم هزاره بی خبراند و نمی دانند که خلاف خواست اخلاقی و میل انسانی شان به بازار فحشاء جبراً فرستاده می شوند؟!

قرار راپور موثق «روسپیان»ی که بعد از فارغ شدن از کار، ساعت های ۳ شب به بعد در حمام «دشت برچی» می روند سوال می شود که چرا به این حرکت شنیع و ضد کرامت انسانی دست می زنند، در جواب می گویند که نظر به دستورات فلانی و بسمدانی رهبر و پیشوای مذهبی که تأیید و تأکید نموده اند تا به هر طریق ممکن نخست پولدار شوید و دوم نسل تان را افزایش دهید؛ چرا «کامران میرهزار» و هم کلاشان خادیست، سکتاریست و ناسیونالیستش سکوت مرگ را اختیار نموده اند؟ اگر ثبوت می خواهند که ده ها نمونه اش را مستند و با ویدئو در معرض تماشا بگذارم!

مگر «کامران میرهزار» و هم کلاشان خادیست، سکتاریست و ناسیونالیستش نمی دانند که نسل روسپیان در حالت افزونی می باشند؛ پس چرا این حرامزاده و زنازاده های ریاکار از نابسامانی های اجتماعی که زاده جامعه طبقاتی می باشد و بخش بزرگی از زنان جامعه را به روسپیگری و فحشاء کشانیده است حرف نمی زنند و به سوی اصلاح جامعه نمی شتابند و اما در کمال بی ناموسی زنان مبارزی را مورد هدف تیر های کین و نفرت قوم پرستانه شان قرار داده اند که در سه دهه اخیر در هر گونه شرایطی مبارزه کرده اند؟

این بزدلان و سگان ایران و پاکستان با حمله بزدلانه شان به زنده یاد «داد نورانی» پشتون ستیزی آشکار شان را به نمایش می گذارند؛ زیرا آنها بار ها «سازمان رهائی-راوا» و حالا «سازمان انقلابی» را پشتون نیست و شئونیست مخاطب قرار داده، توهین کرده و اتهام بسته اند!

«داکتر غفور ثنا» که تا دیروز هزاره ستیز و پنجشیری ستیز بود، حالا با چرخش ۱۸۰ درجه ئی اش با صادق ظفر، حسین جاسوس و حالا خادیسست جاسوس، «کامران میر هزار» درفش زرد پشتون ستیزی را گویا بر افراشته اند و فکر می کنند که مناسبات دیرینه و برادرانه ملیت های دیگر را با خلق های پشتون خراب می سازند. یعنی این جاسوسان دست پرورده، با تجربه و آزموده سیاست مشهور انگلیس، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را تعقیب می کنند.

"در سیاست و جامعه شناسی، تفرقه بینداز و حکومت کن به (لاتین Divide ET imperia/impera): همچنین معروف به تقسیم و غلبه) به انگلیسی (Divide and Conquer): عبارت است از ستراتیژی جامع سیاسی، نظامی و اقتصادی برای به دست آوردن قدرت و حفظ آن از راه شکستن یک قدرت متمرکز به قطعات کوچکتری که هر یک به تنهایی قدرت کمتری از اجراء کننده ای این ستراتیژی دارند.

ارکان این تکنیک عبارتند از:

ایجاد و تشویق تقسیمات بین "مادون"ها برای جلوگیری از ایجاد اتحادی که حاکم مسلط و دارای قدرت عالی را به مبارزه بطلبد.

پشتیبانی و ترویج کسانی که علاقه به همپاری و همدستی با حاکم دارای قدرت عالی دارند. پرورش بی اعتمادی، کینه، عداوت و خصومت بین حکمرانان محلی

تشویق و تقویت هزینه های بی معنائی که توانائی مخرج نظامی و سیاسی را کاهش دهد. این سیاست بارها توسط دولت بریتانیا علیه کشورهای مختلف اجراء شده است؛ از جمله افغانستان، سودان، نایجریا و شبه قاره هند".

این که داکتر غفور ثنا «غف» مشهور به «پولاد» مسؤول بیت الخلالی «پیام آزادی» و تبعه کشور «هالند» به باند چند نفره تفرقه اندازان و سکتاریست ها پیوسته است فکر می کند که با این کارش ممد واقع شده و جامعه را به تشنج و تنش های لسانی و ملیتی سوق می دهد و اما نمی داند که قبل از وی احمد شاه مسعود- ربانی- مزاری- دوستم، لطیف پیرام- داکتر لعل زاد جاسوس ام آی ۶ در لندن- حسین جاسوس- صادق ظفر- محقق و..... به این کار ضد ملی و ضد میهنی دست زده اند و آتش خانمانسوز تفرقه، استخوان شکنی و تجزیه کشور را روشن و بارها هیزم ریخته اند و اما به نتایج مطلوب دست نیافته اند. پس عوعو و غف غف «غفور ثنا» این پاپیگ زشت سیما و ضعیف الجئه جایی را نمی گیرد و هرکس و هر انسان عاقل را مجبور و وادار می سازد که بگوید، «کو چی»، «چخه» سگ بویناک!!

تکرار چرندیات و اتهام های نامردانه و بزدلانه «کامران میر هزار» توسط سگ پاپی تبار «غف» علیه زنده یاد «داد نورانی» چه چیزی را ثبوت می کند به جزء روابط خادیسستیک گذشته وی و چرخیدنش را به دور محور «کشتنمندیسم»! اتهام بستن و توهین بر زنان و مردان مبارز کشور یک عقده گشائی بیمار گونه از جانب گل غتی «داکتر کریم زرغون»، «داکتر غفور ثنا» می باشد زیرا قرار گزارش «موسی هستی»، کسب و پیشه فامیلی گل غتی «داکتر کریم زرغون»، «داکتر غفور ثنا» تجارت هروئین و زن فروشی بود و این بر می گردد به دوران «ظاهر شاه»؛ پس کسی که در چنین فامیلی بزرگ شده باشد طبیعتاً ادامه دهنده و میراث دار همان کسب و پیشه می باشد. هم چنان ۱۴ سال تمام علیا مخدره اش را تک و تنها فرستادن در میان خیل اخوان بچه باز و زنباره چه چیزی را به اثبات می رساند جز مرده گوی آشکار یک دله و دیوٹ خسیس و پول پرست و شهرت پسند را!

پس برای سازمان های انقلابی و زنان انقلابی کشور بسا جای افتخار می باشد که از جانب یک مفعول بدنام (رئیس بانک-۲) و یک مرده گاو مشهور مورد اهانت و توهین قرار می گیرند.

دروود های بی پایان بر یاد و خاطرات تابناک «مینا»ی قهرمان- داکتر فیض احمد و داد نورانی!